

ارزیابی میزان تأثیر دانش مالی، نگرش مالی و سواد مالی بر رفتار مدیریت مالی با میانجی‌گری منبع کنترل (مورد مطالعه: کارمندان سازمان‌های دولتی)

مرضیه فرمانی^۱

^۱دانش آموخته مدیریت دولتی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی میزان تأثیر دانش مالی، نگرش مالی و سواد مالی بر رفتار مدیریت مالی با میانجی‌گری منبع کنترل انجام شد. با توجه به اهمیت فزاینده مهارت‌های مدیریت مالی در کارمندان و نقش عوامل روان‌شناختی در ترجمه آگاهی به رفتار، در این مطالعه تلاش شد تا مدلی جامع در این حوزه طراحی و آزمون شود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) بود. جامعه آماری، کارمندان سازمان‌های دولتی ایران بودند و نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد شامل پنج بخش (دانش مالی، نگرش مالی، سواد مالی، منبع کنترل و رفتار مدیریت مالی) بود که روایی آن با تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که دانش مالی، نگرش مالی و سواد مالی، همگی تأثیر مستقیم و معناداری بر رفتار مدیریت مالی دارند. همچنین، منبع کنترل نقش میانجی جزئی معناداری در این روابط ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که متغیرهای شناختی از طریق تقویت منبع کنترل درونی، رفتار مالی مطلوب‌تری را پیش‌بینی می‌کنند. شاخص‌های برازش مدل از جمله R^2 ، Q^2 ، NFI ، $SRMR$ نیز مؤید کفایت مدل ساختاری بودند. نتایج نشان می‌دهد که ارتقاء رفتار مالی تنها با انتقال دانش ممکن نیست، بلکه نیازمند تقویت نگرش مثبت، مهارت عملی و احساس کنترل درونی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزش مالی به‌صورت کاربردی و روان‌شناختی طراحی شده و نقش خانواده و نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری رفتار مالی مسئولانه مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: دانش مالی، نگرش مالی، سواد مالی، رفتار مدیریت مالی، منبع کنترل

۱. مقدمه

در عصر حاضر، با پیچیدگی‌های روزافزون در حوزه‌های مالی و اقتصادی، رفتار مدیریت مالی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تضمین ثبات و رفاه مالی افراد شناخته می‌شود. رفتار مدیریت مالی به مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات فرد در زمینه‌های بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مدیریت بدهی اشاره دارد که تأثیر مستقیمی بر وضعیت مالی و کیفیت زندگی فرد دارد. در این راستا، عوامل متعددی می‌توانند بر رفتار مدیریت مالی تأثیرگذار باشند، از جمله دانش مالی، نگرش مالی، سواد مالی و محور کنترل. دانش مالی به میزان آگاهی و درک فرد از مفاهیم و اصول مالی اشاره دارد که به او امکان می‌دهد تصمیمات مالی آگاهانه‌تری اتخاذ کند. نگرش مالی نیز به باورها، احساسات و تمایلات فرد نسبت به مسائل مالی مربوط می‌شود که می‌تواند رفتارهای مالی او را شکل دهد. سواد مالی، ترکیبی از دانش و نگرش مالی است که توانایی فرد را در مدیریت مؤثر منابع مالی افزایش می‌دهد. محور کنترل، به باور فرد در مورد میزان کنترل او بر رویدادهای زندگی‌اش اشاره دارد؛ افرادی با محور کنترل درونی باور دارند که می‌توانند با تلاش و تصمیم‌گیری‌های خود، نتایج زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار دهند، در حالی که افرادی با محور کنترل بیرونی، عوامل خارجی را مسئول نتایج می‌دانند. مطالعات متعددی به بررسی تأثیر این عوامل بر رفتار مدیریت مالی پرداخته‌اند. دانش مالی و سواد مالی تأثیر مستقیمی بر محور کنترل ندارند، در حالی که نگرش مالی تأثیر مثبت و معناداری بر محور کنترل دارد. همچنین، دانش مالی، سواد مالی و محور کنترل تأثیر مثبت و معناداری بر رفتار مدیریت مالی دارند، اما نگرش مالی به‌تنهایی تأثیر مستقیمی بر رفتار مدیریت مالی ندارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که محور کنترل می‌تواند نقش میانجی در تأثیر نگرش مالی بر رفتار مدیریت مالی ایفا کند، اما در مورد دانش مالی و سواد مالی چنین نقشی ندارد (دامایانتا و همکاران^۱ ۲۰۲۴). در مطالعه‌ای دیگر، هفری^۲ (۲۰۲۳) به بررسی نقش میانجی محور کنترل در تأثیر دانش مالی و نگرش مالی بر رفتار مدیریت مالی پرداخت و دریافت که نگرش مالی تأثیر مستقیم بر رفتار مدیریت مالی دارد، اما دانش مالی چنین تأثیری ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که نگرش مالی می‌تواند از طریق محور کنترل بر رفتار مدیریت مالی تأثیر بگذارد. با توجه به مسائل و مشکلات مطرح شده این تحقیق با هدف بررسی ارزیابی میزان تأثیر دانش مالی، نگرش مالی و سواد مالی بر رفتار مدیریت مالی با میانجی‌گری منبع کنترل در میان کارمندان سازمان‌های دولتی انجام شد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- دانش مالی

دانش مالی^۳ به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانسته‌ها اطلاق می‌شود که فرد را قادر می‌سازد تا تصمیمات مالی هوشمندانه و آگاهانه‌ای در زمینه‌هایی مانند بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، مدیریت بدهی و برنامه‌ریزی بازنشستگی اتخاذ کند (لوساردی و همکاران^۴ ۲۰۱۴). دانش مالی^۵ به معنای درک و فهم مفاهیم، ابزارها و سازوکارهای مرتبط با امور مالی است که به افراد امکان می‌دهد تا تصمیمات مالی آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. این دانش شامل مفاهیمی مانند نرخ بهره، تورم، سرمایه‌گذاری، وام‌ها، مالیات‌ها، بیمه‌ها و سایر ابزارهای مالی است. برخلاف سواد مالی که بر توانایی به‌کارگیری دانش مالی در موقعیت‌های واقعی تمرکز دارد، دانش مالی بیشتر به جنبه نظری و شناختی مفاهیم مالی اشاره دارد. مطالعات نشان می‌دهند که سطح بالای دانش مالی می‌تواند به بهبود رفتارهای مالی افراد منجر شود. برای مثال، افرادی که دانش مالی بیشتری دارند، تمایل بیشتری به برنامه‌ریزی برای بازنشستگی، پس‌انداز منظم و سرمایه‌گذاری هوشمندانه دارند. همچنین، این افراد کمتر در معرض تصمیمات مالی نادرست قرار می‌گیرند و می‌توانند منابع مالی خود را به‌طور مؤثرتری مدیریت کنند. در محیط‌های اقتصادی پیچیده و پرریسک امروزی، داشتن دانش مالی کافی برای درک ابزارهای مالی جدید مانند ارزهای دیجیتال، وام‌های پیچیده و

^۱ Damayanti^۲ Hefri^۳ Financial Knowledge^۴ Lusardi^۵ Financial Knowledge

محصولات سرمایه‌گذاری متنوع ضروری است. بدون این دانش، افراد ممکن است در معرض خطرات مالی جدی قرار گیرند و نتوانند از فرصت‌های مالی به‌درستی بهره‌برداری کنند. برای ارتقاء دانش مالی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. برنامه‌های آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های کاری، همچنین منابع آموزشی آنلاین و کتاب‌های تخصصی می‌توانند به افزایش سطح دانش مالی در جامعه کمک کنند. دانش مالی شامل درک اصول اساسی مانند نرخ بهره، تورم، ریسک، مدیریت بودجه و نحوه استفاده از ابزارهای مالی برای برنامه‌ریزی اقتصادی است. این دانش به افراد کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری در مورد سرمایه‌گذاری‌ها، پس‌انداز، بیمه، و حتی نحوه مدیریت وام‌ها اتخاذ کنند. در دنیای پیچیده امروز، فناوری و نوآوری‌های مالی مانند فن‌آوری‌های بلاک‌چین، ارزهای دیجیتال و پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری آنلاین به سرعت در حال گسترش هستند. درک این ابزارهای جدید برای افراد بدون دانش مالی کافی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. به همین دلیل، ارتقاء این نوع دانش برای موفقیت فردی و اجتماعی ضروری است. به طور خاص، در جوامعی که نرخ بیکاری و تورم بالا است، داشتن دانش مالی می‌تواند به افراد کمک کند تا از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کنند و در مقابل خطرات مالی مقاوم‌تر باشند. به علاوه، تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که افراد با دانش مالی بالا توانایی بهتری در شناسایی و اجتناب از اشتباهات مالی دارند. برای مثال، افرادی که درک بهتری از نرخ بهره و تأثیر آن بر وام‌های شخصی دارند، بیشتر قادر به اتخاذ تصمیمات مالی صحیح خواهند بود. در واقع، این افراد تمایل دارند که از انتخاب‌های مالی که ممکن است به‌طور غیرقابل پیش‌بینی به آن‌ها آسیب برساند، خودداری کنند (لوراسدی و میشل^۱ ۲۰۱۴). مجموعه‌ای از تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که در جوامع با سطح پایین‌تر دانش مالی، افراد بیشتر در معرض تصمیمات مالی اشتباه قرار دارند. در این جوامع، از آنجا که مردم توانایی شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک‌ها را ندارند، بیشتر در دام وام‌های با نرخ بهره بالا و یا سرمایه‌گذاری‌های نادرست می‌افتند. این مشکل به‌ویژه در زمان بحران‌های اقتصادی، که تصمیمات مالی نادرست می‌توانند پیامدهای جدی برای فرد و جامعه داشته باشند، مشهودتر می‌شود (OECD ۲۰۱۷).

دانش مالی به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در حوزه مالی رفتاری، نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد ایفا می‌کند. این دانش دربرگیرنده درک مفاهیم پایه‌ای مانند نرخ بهره، بودجه‌بندی، ارزش زمانی پول، اصول وام و سرمایه‌گذاری، ریسک مالی و برنامه‌ریزی برای آینده است. به عبارت دیگر، دانش مالی مجموعه‌ای از اطلاعات و آگاهی‌هایی است که فرد را قادر می‌سازد تا تصمیمات مالی آگاهانه اتخاذ کرده، منابع مالی خود را به‌درستی تخصیص دهد و از اشتباهات مالی پیشگیری کند. در این راستا، پژوهشگران معتقدند که داشتن دانش مالی تنها به معنی حفظ کردن اطلاعات تئوریک نیست، بلکه شامل توانایی تحلیل، مقایسه و استفاده عملی از مفاهیم مالی در زندگی روزمره است (بودیونو^۲، ۲۰۲۰). دانش مالی را می‌توان در دو سطح عینی و ذهنی بررسی کرد. سطح عینی شامل توانایی واقعی فرد در حل مسائل مالی و درک دقیق مفاهیم عددی و مالی است؛ در حالی که سطح ذهنی، ارزیابی فرد از توانایی‌های خود در مدیریت امور مالی را در بر می‌گیرد. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که افراد گاه اعتماد به نفس مالی بالایی دارند، در حالی که از نظر دانش عینی عملکرد ضعیفی نشان می‌دهند، که این خود می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های اشتباه مالی منجر شود (ماریس و همکاران^۳، ۲۰۲۱). بنابراین، برای درک کامل نقش دانش مالی در رفتار اقتصادی افراد، باید این تمایزات را مدنظر قرار داد. در پژوهش‌های مختلفی که طی دهه گذشته انجام شده، مشخص گردیده که دانش مالی با متغیرهای متعددی از جمله رفتار مدیریت مالی، نگرش مالی، سواد مالی و منبع کنترل در ارتباط است. افراد دارای دانش مالی بالاتر، معمولاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بودجه‌بندی، پس‌انداز، استفاده از کارت‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری، عملکرد بهتری دارند. این افراد همچنین کمتر در معرض بدهی‌های پرریسک قرار می‌گیرند و تمایل بیشتری به برنامه‌ریزی مالی دارند (آگوستینا و ماردیانا^۴، ۲۰۲۰؛ سوکما و همکاران^۵، ۲۰۲۲). در مقابل، کمبود دانش مالی در

^۱ Lusardi & Mitchell^۲ Budiono^۳ Maris^۴ Agustina, N. R., & Mardiana^۵ Sukma

بسیاری از موارد منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست مالی، وابستگی به وام‌های با بهره بالا، عدم توانایی در تحلیل شرایط اقتصادی و عدم آمادگی برای شرایط اضطراری شده است (آیونی و لستاری، ۲۰۲۲).

دانش مالی نه تنها به افراد کمک می‌کند که رفتار مالی مناسب‌تری داشته باشند، بلکه احساس امنیت مالی و تسلط بر زندگی اقتصادی را نیز در آن‌ها افزایش می‌دهد. افرادی که از نظر دانشی درک درستی از ساختارهای اقتصادی و ابزارهای مالی دارند، در مواجهه با نوسانات بازار، تغییرات درآمد یا فشارهای مالی عملکرد منطقی‌تری از خود نشان می‌دهند. این افراد معمولاً از هیجان‌زدگی در خرید اجتناب می‌کنند، برای آینده مالی خود برنامه‌ریزی دارند و در صورت مواجهه با بحران، از استراتژی‌های واقع‌بینانه‌تری استفاده می‌کنند (ساری و آزهرا^۱، ۲۰۲۳). با وجود مزایای اثبات‌شده دانش مالی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح این دانش در بسیاری از جوامع پایین است، به‌ویژه در میان جوانان، کارمندی و اقشار کم‌درآمد. مطالعه‌ای توسط لی^۲ (۲۰۲۴) نشان داد که کمتر از نیمی از پاسخ‌دهندگان قادر بودند مفاهیم پایه‌ای مانند نرخ بهره مرکب یا اثر تورم را به درستی درک و تحلیل کنند. این یافته‌ها موجب شده‌اند که دولت‌ها و مؤسسات آموزشی توجه بیشتری به آموزش دانش مالی در سطوح مختلف آموزشی معطوف کنند. نکته قابل‌توجه دیگر این است که دانش مالی می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد. در جوامعی که مدیریت منابع مالی در سنین پایین آموزش داده می‌شود، سطح دانش مالی در بزرگسالی بالاتر است. همچنین، دسترسی به منابع اطلاعاتی مانند کتاب، رسانه، اینترنت و خدمات مشاوره مالی نقش مهمی در ارتقاء دانش مالی دارد. برای مثال، در پژوهشی توسط آلیفا و آرا^۳ (۲۰۲۲)، مشخص شد که کارمندانی که به منابع آموزشی دیجیتال دسترسی بیشتری دارند، از دانش مالی بالاتری برخوردارند و رفتارهای مالی مسئولانه‌تری از خود بروز می‌دهند.

در مدل‌های رفتاری جدید، دانش مالی به‌عنوان متغیری میانجی یا تعدیل‌گر در ارتباط میان نگرش مالی و رفتار مالی نیز معرفی شده است. به عبارت دیگر، فردی که نگرش مثبتی به پس‌انداز دارد، اگر فاقد دانش مالی باشد، احتمالاً قادر نخواهد بود این نگرش را به رفتار تبدیل کند. اما اگر دارای دانش مالی نیز باشد، این نگرش به تصمیم‌گیری مؤثر مالی منتهی می‌شود (شینتا و لستاری^۴، ۲۰۱۹). بنابراین، آموزش دانش مالی نه تنها به ارتقاء سواد مالی منجر می‌شود، بلکه پیش‌نیاز تحقق رفتارهای اقتصادی مثبت نیز هست. نکته دیگر آن‌که توسعه دانش مالی تنها با آموزش‌های نظری حاصل نمی‌شود. افراد برای ارتقاء این دانش، باید آن را به صورت عملی تجربه کنند؛ مانند تمرین بودجه‌بندی، شبیه‌سازی بازار، یا تحلیل صورت‌حساب‌ها. همچنین، ایجاد موقعیت‌هایی برای تصمیم‌گیری‌های مالی واقعی، از طریق پروژه‌های کلاسی یا کارآموزی، می‌تواند به درونی‌سازی این دانش کمک کند. همان‌طور که بودیونو^۵ (۲۰۲۰) در مطالعه خود نشان داد، سطح دانش مالی در میان کسانی که فعالیت‌های اقتصادی واقعی مانند کسب‌وکار کوچک، پس‌انداز مستقل یا مدیریت درآمد خانوادگی را تجربه کرده‌اند، به مراتب بالاتر است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت دانش مالی مفهومی پیچیده، چندبعدی و اثرگذار است که در تعامل با سایر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی، رفتار مالی افراد را شکل می‌دهد. این دانش می‌تواند از سنین پایین آموزش داده شده و در تمام مراحل زندگی توسعه یابد. چنان‌چه سیاست‌گذاران، مربیان و والدین به صورت هدفمند در جهت ارتقاء دانش مالی تلاش کنند، نه تنها سطح رفاه اقتصادی افراد افزایش می‌یابد، بلکه جامعه‌ای مسئول‌تر، آگاه‌تر و پایدارتر در برابر بحران‌های مالی شکل خواهد گرفت.

۲-۲- نگرش مالی

بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه مالی رفتاری نشان داده‌اند که نگرش مالی^۶ نقشی اساسی در شکل‌گیری رفتارهای مالی ایفا می‌کند. نگرش مالی، بازتابی از باورها، احساسات، تمایلات و ادراک فرد نسبت به پول، درآمد، خرج، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. افراد با نگرش مالی مثبت معمولاً تمایل دارند رفتارهای مسئولانه‌تری در مدیریت منابع مالی از خود نشان دهند.

^۱ Sari, M. N., & Azzahra

^۲ Li

^۳ Alifa, S. H., & R.A

^۴ Shinta, I. D. K., & Lestari

^۵ Budiono

^۶ Financial Attitude

به عبارت دیگر، نحوه تفکر و احساس فرد نسبت به مسائل مالی تأثیر مستقیم بر تصمیمات او در زمینه هزینه کرد، پس انداز و برنامه ریزی مالی دارد. در همین راستا، نگرش به پول به عنوان نمادی از امنیت، آزادی، قدرت یا موفقیت می تواند نوع رفتار مالی فرد را شکل دهد. برای مثال، افرادی که پول را ابزاری برای امنیت مالی می دانند، تمایل بیشتری به پس انداز و سرمایه گذاری خواهند داشت. در حالی که کسانی که پول را بیشتر با لذت و رضایت آنی پیوند می زنند، ممکن است رفتارهای مالی مصرف گرا از خود بروز دهند (سووارنو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). براساس دیدگاه نظریه رفتار برنامه ریزی شده^۲، نگرش یکی از عوامل اصلی تعیین کننده نیت رفتاری است. در این نظریه، نگرش مالی به عنوان ارزیابی ذهنی فرد از مفید بودن یا مضر بودن یک رفتار خاص مالی تعریف می شود. در نتیجه، نگرش مثبت نسبت به رفتارهای مالی سالم، احتمال انجام آن رفتارها را افزایش می دهد. به طور خاص، زمانی که فرد باور دارد که پس انداز به امنیت مالی منجر می شود یا سرمایه گذاری به رشد ثروت می انجامد، این باورها در قالب نگرش های مثبت می توانند به رفتارهای مالی سنجیده تبدیل شوند (آجنز^۳، ۲۰۰۵؛ کاهیانینگروم و فکری^۴، ۲۰۲۱).

نگرش مالی از چند مؤلفه تشکیل شده است: اول، بُعد شناختی، که شامل باورها و دانش فرد درباره مسائل مالی است؛ دوم، بُعد احساسی که احساسات مثبت یا منفی نسبت به پول را دربرمی گیرد؛ و سوم، بُعد رفتاری که گرایش های رفتاری مرتبط با نگرش را شامل می شود، مانند تمایل به خرج یا ذخیره پول. برای مثال، فردی که باور دارد خرج کردن پول در لحظه رضایت بخش است و از لحاظ احساسی نیز از این کار لذت می برد، احتمالاً رفتار مالی مصرف گرایانه ای از خود نشان خواهد داد. در مقابل، فردی که پول را عامل ثبات مالی می داند و خرج کردن بدون برنامه را موجب اضطراب می پندارد، به طور طبیعی رفتار صرفه جویانه تری خواهد داشت (ریندایانی و همکاران^۵، ۲۰۲۲). نتایج تحقیقات میدانی در کشورهای مختلف نشان داده اند که نگرش مالی نقش مهمی در تعیین رفتار مدیریت مالی ایفا می کند. برای مثال، در مطالعه ای که توسط نازاح و همکاران^۶ (۲۰۲۲) بر روی جامعه مورد مطالعه انجام شد، مشخص گردید افرادی که نگرش مالی مثبتی دارند، در بودجه بندی، پرداخت به موقع قبوض، و برنامه ریزی مالی برای آینده عملکرد بهتری دارند. همچنین پژوهش سوکما و همکاران^۷ (۲۰۲۲) نشان داد که نگرش مالی مثبت به واسطه منبع کنترل داخلی، بر رفتار مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته با نظریه های شناختی نیز هماهنگ است، زیرا نگرش ها نقش فیلترهای ادراکی را ایفا می کنند که از طریق آن ها اطلاعات مالی معنا یافته و تفسیر می شوند.

با وجود یافته های مثبت فراوان، برخی مطالعات به نتایجی متضاد دست یافته اند. به عنوان نمونه، پژوهش کویروتون و اسان دیمیترا^۸ (۲۰۲۲) نشان داد که نگرش مالی تأثیر مستقیم معناداری بر رفتار مدیریت مالی ندارد. یکی از دلایل احتمالی این تضاد آن است که نگرش مالی به تنهایی برای تغییر رفتار کافی نیست و عوامل دیگری همچون مهارت عملی، منابع درآمدی، یا فشارهای اجتماعی می توانند نقش تعدیل کننده ایفا کنند. درواقع، فرد ممکن است نگرش مثبتی نسبت به پس انداز داشته باشد اما به دلیل درآمد پایین یا فشار اجتماعی برای مصرف گرایی، نتواند مطابق با آن نگرش عمل کند. نقش فرهنگ نیز در شکل گیری نگرش های مالی بسیار برجسته است. برای مثال، در فرهنگ هایی که استقلال مالی در سنین پایین ارزش محسوب می شود، نگرش های مسئولانه تری نسبت به پول شکل می گیرد. برعکس، در جوامعی که وابستگی اقتصادی به والدین تا سنین بالا رایج است، نگرش های مالی ضعیف تری مشاهده می شود. تحقیقات در زمینه های بین فرهنگی (مانیهوروک و لوبیس^۹، ۲۰۲۱) نشان می دهد که تفاوت در نگرش های مالی می تواند توضیح دهنده تفاوت در الگوهای هزینه ای میان افراد در جوامع مختلف باشد. در حوزه آموزش مالی، توجه به نگرش مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. بسیاری از برنامه های آموزش

^۱ Suwamo^۲ TPB^۳ Ajzen^۴ Cahyaningrum, B., & Fikri^۵ Rindayani^۶ Nazah^۷ Sukma^۸ Asandimitra^۹ Manihuruk, R. B. R., & Lubis

مالی بر انتقال دانش تمرکز دارند، اما بدون اصلاح نگرش‌ها، اثربخشی این آموزش‌ها در رفتار مالی افراد بسیار محدود خواهد بود. به عنوان مثال، آموزش صرف درباره نرخ بهره یا نحوه سرمایه‌گذاری، بدون ایجاد نگرش مثبت نسبت به اهمیت پس‌انداز یا برنامه‌ریزی مالی، احتمالاً منجر به تغییر رفتاری نخواهد شد. در مقابل، آموزش‌هایی که بر تغییر نگرش تأکید دارند، مثلاً از طریق نمایش داستان‌های موفقیت مالی یا تمرین‌های ذهنی برای درک مزایای صرفه‌جویی، می‌توانند تأثیرات پایدارتری ایجاد کنند (آلیفا و آرا، ۲۰۲۲).

تحقیقات نشان داده‌اند که نگرش مالی در مراحل مختلف زندگی افراد شکل می‌گیرد و می‌تواند در طول زمان تغییر یابد. کودکی و نوجوانی دوره‌هایی هستند که طی آن‌ها نگرش اولیه نسبت به پول و هزینه شکل می‌گیرد و اغلب تحت تأثیر خانواده، رسانه و آموزش است. در بزرگسالی، تجربه‌های مالی واقعی، همچون اشتغال، ازدواج یا بحران‌های مالی، ممکن است نگرش فرد را اصلاح یا تقویت کنند. در همین راستا، مطالعه بودیونو^۲ (۲۰۲۰) بیان می‌کند که افراد متأهل معمولاً نگرش‌های محافظه‌کارانه‌تری نسبت به پول دارند، در حالی که افراد مجرد بیشتر تمایل به مصرف و ریسک مالی دارند. در تحلیل رابطه نگرش مالی با متغیرهای روان‌شناختی دیگر، یکی از عوامل مهم «منبع کنترل» است. طبق یافته‌های پژوهش‌ها، افراد با نگرش مالی مثبت معمولاً منبع کنترل درونی قوی‌تری دارند. این افراد باور دارند که سرنوشت مالی آن‌ها بیشتر به عملکرد و تصمیمات شخصی بستگی دارد تا به عوامل بیرونی. در مقابل، نگرش منفی نسبت به پول اغلب با منبع کنترل بیرونی و احساس ناتوانی در کنترل امور مالی همراه است (ویدی آسح و خافید^۳، ۲۰۲۰). این رابطه دوطرفه است: نگرش مثبت موجب تقویت کنترل درونی می‌شود و کنترل درونی نیز نگرش مثبت را پایدار می‌سازد.

در نهایت، با توجه به یافته‌های گوناگون پژوهشی، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مالی یکی از عناصر کلیدی در شکل‌گیری رفتار مدیریت مالی محسوب می‌شود. اگرچه این متغیر به تنهایی برای تبیین رفتار کفایت نمی‌کند، اما در تعامل با دانش مالی، منبع کنترل، و ساختارهای اجتماعی می‌تواند درک جامعی از رفتار مالی فرد ارائه دهد. تقویت نگرش مالی مثبت نیازمند مداخلاتی آموزشی، فرهنگی و خانوادگی است که از سنین پایین آغاز شده و در تمامی مراحل زندگی تداوم داشته باشد.

۲-۳- سواد مالی

سواد مالی^۴ یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه مالی رفتاری و اقتصاد رفتاری است که در دهه‌های اخیر مورد توجه گسترده پژوهشگران، سیاست‌گذاران و نظام‌های آموزشی قرار گرفته است. این مفهوم به‌طور کلی به توانایی فرد در درک و استفاده مؤثر از دانش مالی برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه در خصوص پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، و مدیریت مالی شخصی اشاره دارد. به بیان دقیق‌تر، سواد مالی ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار لازم برای اتخاذ تصمیم‌های مالی صحیح و دستیابی به رفاه مالی است. این تعریف که از سوی OECD نیز به رسمیت شناخته شده است، نشان می‌دهد که سواد مالی صرفاً شامل اطلاعات نظری نیست، بلکه شامل کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی زندگی می‌شود (ستیاوان و وولانداری^۵، ۲۰۲۰). فرد دارای سواد مالی، قادر است بودجه‌بندی انجام دهد، درآمد و هزینه‌های خود را مدیریت کند، تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌ها را درک نماید، و تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه اتخاذ کند. چنین فردی همچنین توانایی تحلیل ریسک‌های مالی، ارزیابی محصولات بانکی و درک مفاهیم کلیدی همچون بهره مرکب، نرخ تنزیل، تورم و زمان ارزش پول را دارد. از این منظر، سواد مالی با پویایی زندگی فردی، شغلی و اجتماعی افراد در ارتباط مستقیم قرار دارد و می‌تواند نقش بسزایی در کاهش فقر، افزایش استقلال اقتصادی، و ارتقاء کیفیت زندگی ایفا کند (پورناما و سی‌مارماتا^۶، ۲۰۲۱).

اهمیت سواد مالی به‌ویژه در جوامعی که با پیچیدگی‌های مالی و بازارهای پرنوسان مواجه‌اند، دوچندان است. در دنیای امروزی که افراد با تبلیغات فریبنده، وام‌های بدون ضامن، کارت‌های اعتباری، و خدمات بانکی متنوع روبه‌رو هستند، اتخاذ تصمیمات

^۱ Alifa

^۲ Budiono

^۳ Widi Asih & Khafid

^۴ Financial Literacy

^۵ Setyawan, W., & Wulandari

^۶ Purnama, E. D., & Simarmata

آگاهانه مالی بدون داشتن حداقلی از سواد مالی تقریباً غیرممکن است. تحقیقات گسترده‌ای نشان داده‌اند که کم‌سوادی مالی نه تنها منجر به بدهی‌های سنگین، شکست‌های سرمایه‌گذاری و فشارهای روانی می‌شود، بلکه ممکن است موجب گسترش شکاف طبقاتی نیز گردد (ماریس و همکاران^۱، ۲۰۲۱). مطالعه‌ای توسط اولومودینیاتی و اسان‌دیمیترا^۲ (۲۰۲۲) نشان داد که میانگین سطح سواد مالی افراد به‌طور نگران‌کننده‌ای پایین است و تنها درصد محدودی از آن‌ها می‌توانند به‌درستی یک مسئله ساده بهره مرکب را محاسبه کنند. این یافته‌ها اهمیت آموزش رسمی و غیررسمی سواد مالی را در دوران دانشگاهی برجسته می‌سازد. در تحلیل ارتباط سواد مالی با رفتار مدیریت مالی، اکثر پژوهش‌ها به رابطه مثبت و معنادار این دو متغیر اشاره دارند. برای مثال، در مطالعه‌ای توسط دیوی و دارما^۳ (۲۰۲۱)، مشخص شد افرادی که در آزمون‌های سواد مالی عملکرد بهتری داشتند، در مدیریت درآمد، پس‌انداز، پرداخت به‌موقع قبوض، و تصمیمات سرمایه‌گذاری نیز عملکرد مناسب‌تری نشان دادند. همچنین یافته‌های ناتان و مهاسانتی^۴ (۲۰۲۲) نشان داد که سواد مالی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین عوامل روان‌شناختی و رفتار مالی ایفا کند. یعنی افرادی که سطح سواد مالی بالایی دارند، حتی در صورت داشتن منبع کنترل ضعیف یا نگرش مالی منفی، باز هم می‌توانند تا حدی رفتار مالی مسئولانه‌ای داشته باشند. اگرچه پژوهش‌های فراوانی تأثیر مثبت سواد مالی بر رفتار مدیریت مالی را تأیید می‌کنند، اما برخی مطالعات نیز به نتایج متضادی رسیده‌اند. برای نمونه، پژوهش ویدیاکتو و همکاران^۵ (۲۰۲۲) نشان داد که سواد مالی به‌تنهایی نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده دقیق رفتار مالی باشد، چرا که متغیرهای میانجی همچون منبع کنترل، انگیزه درونی، و ارزش‌های فرهنگی نقش مهمی در تبدیل دانش به رفتار دارند. در چنین شرایطی، حتی افرادی که اطلاعات مالی مناسبی دارند ممکن است به دلیل فشارهای اجتماعی، الگوهای مصرف خانواده یا نبود اعتمادبه‌نفس مالی، نتوانند رفتار مالی سالمی از خود نشان دهند. نکته مهم دیگر در تحلیل سواد مالی، تمایز میان دانش نظری و توانایی عملی است. برخی افراد اطلاعاتی در مورد سرمایه‌گذاری یا بودجه‌بندی دارند، اما در عمل قادر به استفاده از آن‌ها نیستند. بنابراین، رویکردهای نوین آموزش سواد مالی تلاش می‌کنند به‌جای انتقال صرف اطلاعات، مهارت‌های کاربردی را نیز توسعه دهند؛ برای مثال از طریق شبیه‌سازی‌های مالی، تمرین‌های نقش‌آفرینی، بازی‌های آموزشی و پروژه‌های واقعی. در این راستا، مطالعه‌ای توسط آلیفا و آرا^۶ (۲۰۲۲) نشان داد که افرادی که در برنامه‌های عملی آموزش سواد مالی شرکت کرده‌اند، در مقایسه با گروه کنترل، عملکرد بسیار بهتری در تصمیم‌گیری‌های واقعی مالی از خود نشان دادند. از منظر روان‌شناختی، سواد مالی می‌تواند با ویژگی‌های شخصیتی مانند خودکارآمدی، اضطراب مالی، و منبع کنترل ارتباط داشته باشد. افرادی که خود را در مدیریت مالی مؤثر می‌دانند و باور دارند که با تلاش خود می‌توانند وضعیت مالی بهتری بسازند، معمولاً سطح بالاتری از سواد مالی دارند یا برای ارتقاء آن تلاش می‌کنند. همچنین، آموزش سواد مالی می‌تواند احساس کنترل و تسلط فرد بر زندگی مالی‌اش را افزایش دهد، که این خود به نوبه‌ی خود منجر به کاهش استرس و بهبود سلامت روانی می‌شود (بودیاسنی و آیونی^۷، ۲۰۲۲). با مرور شواهد علمی، می‌توان گفت که سواد مالی مفهومی چندوجهی است که به‌طور مستقیم با رفاه مالی، تصمیم‌گیری اقتصادی، و حتی انسجام روانی و اجتماعی فرد در ارتباط است. ارتقاء سطح سواد مالی در سطح فردی و اجتماعی نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. در جوامعی که تصمیمات مالی با دانش، آگاهی و مسئولیت‌پذیری همراه باشد، فساد اقتصادی، بحران‌های بدهی خانوار و ناامنی مالی کاهش یافته و عدالت اقتصادی تا حدی تحقق می‌یابد.

۲-۴- رفتار مدیریت مالی

رفتار مدیریت مالی^۷ مفهومی است که به مجموعه‌ای از اقدامات آگاهانه، منظم و هدفمند در زمینه تصمیم‌گیری‌های مالی اطلاق می‌شود. این رفتار شامل نحوه بودجه‌بندی، پس‌انداز، هزینه‌کرد، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی برای آینده، و مدیریت بدهی

^۱ Maris

^۲ Ulumudiniati, M., & Asandimitra

^۳ Dewi, N. M. V. C., & Darma

^۴ Nathan, E., & Mahastanti

^۵ Widyakto

^۶ Budiasni, N. W. N., & Ayuni

^۷ Financial Management Behavior

است. به عبارتی، رفتار مدیریت مالی انعکاس خارجی از ترکیب عوامل شناختی، نگرشی، انگیزشی و مهارتی افراد در مواجهه با چالش‌ها و نیازهای مالی روزمره است. این مفهوم نه تنها در زندگی فردی بلکه در موفقیت شغلی، سلامت روانی و امنیت اقتصادی افراد نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پژوهشگران متعددی از جمله پرادینینگتیاس و لوکی‌استوتی^۱ (۲۰۱۹) تأکید دارند که رفتار مدیریت مالی بازتابی از عقلانیت اقتصادی در سطح فردی است و بستگی شدیدی به متغیرهایی نظیر دانش مالی، نگرش مالی، منبع کنترل و تجربیات شخصی دارد. در تحلیل ساختاری رفتار مدیریت مالی، معمولاً چهار مؤلفه اصلی از سوی محققان شناسایی شده است: اول، رفتارهای مرتبط با کنترل مالی که شامل توانایی پیگیری و ثبت مخارج، بررسی صورت‌حساب‌ها و تعیین سقف برای هزینه‌هاست؛ دوم، رفتارهای مربوط به برنامه‌ریزی مالی از جمله بودجه‌بندی، تخصیص منابع برای اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت و آمادگی برای هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده؛ سوم، رفتارهای مربوط به پرداخت‌های به‌موقع بدهی‌ها و قبوض؛ و نهایتاً، رفتارهای مرتبط با پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (ساکما و همکاران، ۲۰۲۲). هر یک از این مؤلفه‌ها به‌تنهایی می‌توانند وضعیت مالی فرد را تحت تأثیر قرار دهند، اما زمانی که به‌صورت هماهنگ و مداوم انجام شوند، می‌توانند به بهبود پایدار وضعیت اقتصادی فرد منجر گردند.

مطالعات بسیاری حاکی از آن‌اند که رفتار مدیریت مالی تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مختلفی است. برای مثال، افرادی که منبع کنترل درونی دارند، یعنی باور دارند که سرنوشت مالی‌شان در دست خودشان است، معمولاً رفتارهای مدیریت مالی بهتری از خود نشان می‌دهند (ناتان و مه‌استانتی^۲، ۲۰۲۲). در مقابل، کسانی که معتقدند عوامل خارجی مانند شانس، دولت یا خانواده مسئول وضعیت مالی آن‌ها هستند، کمتر به پس‌انداز، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری علاقه نشان می‌دهند. به همین ترتیب، سطح سواد مالی نیز نقش کلیدی در توانایی افراد برای اجرای رفتارهای مالی صحیح دارد. کسانی که درک درستی از مفاهیم مالی دارند، در شرایط بحرانی مالی، تصمیمات منطقی‌تری می‌گیرند، در حالی که افراد با سواد مالی پایین‌تر بیشتر دچار خریدهای احساسی و بی‌برنامه می‌شوند (ریسکا^۳، ۲۰۱۸؛ وولانداری و همکاران^۴، ۲۰۲۳). مطالعه‌ای توسط ماریس و همکاران^۵ (۲۰۲۱) بر روی نسل Z در اندونزی نشان داد که تنها حدود ۳۰٪ آن‌ها به‌صورت منظم پس‌انداز می‌کنند و بیش از ۵۰٪ مخارج ماهانه خود را صرف خرید، ارتباطات و سرگرمی می‌کنند، بدون آن‌که برای آینده مالی خود برنامه‌ای داشته باشند.

با وجود این، تحقیقات دیگری نیز وجود دارد که تأثیر متغیرهایی مانند نگرش مالی و درآمد خانوادگی را بر رفتار مدیریت مالی افراد مثبت ارزیابی کرده‌اند. برای مثال، یافته‌های پژوهش دیوی و دارما (۲۰۲۱) نشان داد که نگرش مثبت نسبت به پول، همراه با سطح درآمد متوسط به بالا، به‌طور معناداری با رفتار مدیریت مالی بهتر همراه است. با این حال، این ارتباط در صورت فقدان منبع کنترل و دانش مالی پایدار نیست. این موضوع تأکید می‌کند که رفتار مالی یک پدیده چندبعدی است و تحت تأثیر تعامل عوامل فردی، اجتماعی و محیطی قرار دارد. از منظر نظری، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (TPB) چارچوبی مناسب برای درک رفتار مدیریت مالی فراهم می‌کند. بر اساس این نظریه، نیت رفتاری فرد برای اجرای رفتارهای مالی، متأثر از نگرش، هنجارهای ذهنی، و ادراک از کنترل رفتاری است. نگرش مثبت نسبت به پس‌انداز، انتظار اجتماعی برای مسئولیت‌پذیری مالی، و باور فرد به توانایی خود در مدیریت هزینه‌ها، سه ستون اصلی در شکل‌گیری رفتار مدیریت مالی به‌شمار می‌روند (آجنز^۶، ۱۹۹۱). در عمل، هنگامی که این سه مؤلفه در کنار هم تقویت شوند، فرد احتمال بیشتری دارد که اقدامات ملموسی مانند ثبت هزینه‌ها، برنامه‌ریزی ماهانه، و پس‌انداز منظم انجام دهد.

در سطح کلان، گسترش رفتار مدیریت مالی مطلوب در میان شهروندان می‌تواند به پایداری اقتصادی، کاهش بدهی خانوارها، و بهبود کیفیت زندگی منجر شود. بانک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی می‌توانند از طریق طراحی و اجرای برنامه‌های

^۱ Pradiningtyas, T. E., & Lukiastuti

^۲ Nathan, E., & Mahastanti

^۳ Riska

^۴ Wulandari

^۵ Maris

^۶ Ajzen

ارتقاء مهارت‌های مدیریت مالی، به تقویت این رفتار کمک کنند. برای مثال، آموزش مهارت‌هایی چون اولویت‌بندی هزینه‌ها، تحلیل هزینه-فایده، و برنامه‌ریزی بازنشستگی، می‌تواند نسل جوان را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی آینده آماده سازد (دی‌اسکامارزاونی و همکاران^۱، ۲۰۲۲). در غیر این صورت، فقدان رفتار مدیریت مالی صحیح ممکن است منجر به افزایش بحران‌های بدهی، فشارهای روانی و حتی ورشکستگی‌های فردی شود. از بعد فردی، رفتار مدیریت مالی نشانه‌ای از بلوغ اقتصادی فرد محسوب می‌شود. افرادی که به‌طور منظم درآمد خود را رصد می‌کنند، اهداف مالی دارند، و برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، نه تنها وضعیت مالی بهتری دارند، بلکه احساس امنیت مالی و آرامش روانی بیشتری را نیز تجربه می‌کنند. چنین افرادی معمولاً در برابر وسوسه‌های خرید آنی مقاوم‌تر هستند، در شرایط بحرانی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند، و در بلندمدت شانس بیشتری برای تحقق استقلال مالی خواهند داشت.

۲-۵- منبع کنترل

منبع کنترل^۲ به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی بنیادی، نقشی حیاتی در شکل‌گیری رفتارها و تصمیم‌گیری‌های انسان دارد. این مفهوم نخستین‌بار توسط روان‌شناس آمریکایی جولیان راتر در سال ۱۹۶۶ معرفی شد و به‌طور کلی به درک فرد از علل رویدادهایی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد اشاره دارد. در یک طیف پیوسته، افراد یا دارای منبع کنترل درونی هستند؛ یعنی باور دارند که موفقیت‌ها و شکست‌های زندگی نتیجه اعمال، تلاش‌ها و تصمیمات خودشان است؛ یا منبع کنترل بیرونی دارند، به این معنا که اتفاقات زندگی را ناشی از عوامل خارجی نظیر شانس، سرنوشت، دولت یا دیگران می‌دانند. این تفاوت در نگرش، تأثیر مستقیمی بر رفتارهای اقتصادی، از جمله مدیریت مالی، دارد و می‌تواند تعیین‌کننده نوع مواجهه فرد با بحران‌ها، برنامه‌ریزی برای آینده و تصمیمات مربوط به پس‌انداز و هزینه‌کرد باشد (پرادینینگتاس و لوکاستوتی^۳، ۲۰۱۹). افرادی که از منبع کنترل درونی برخوردارند معمولاً باور دارند که با تلاش، برنامه‌ریزی و خودنظارتی می‌توانند مسیر مالی خود را مدیریت و بهبود دهند. آن‌ها در برابر سختی‌های اقتصادی انعطاف‌پذیرترند، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به آینده مالی خود دارند و در مدیریت بدهی، بودجه‌بندی و سرمایه‌گذاری عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. در مقابل، افراد با منبع کنترل بیرونی اغلب سرنوشت مالی خود را وابسته به شرایط بیرونی می‌دانند، بیشتر دچار اضطراب مالی می‌شوند و انگیزه کمتری برای یادگیری یا بهبود وضعیت مالی دارند. مطالعه‌ای توسط ناتان و مهاسانتی (۲۰۲۲) نشان داد که سطح بالای منبع کنترل درونی، به‌طور معناداری با رفتارهای مالی مطلوب‌تری همراه است؛ از جمله برنامه‌ریزی مالی، پرداخت به‌موقع بدهی و اجتناب از خریدهای هیجانی. در تحلیل رابطه منبع کنترل با رفتار مدیریت مالی، مطالعات متعددی بر نقش میانجی‌گری آن تأکید کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، حتی در صورتی که فرد دارای دانش مالی یا نگرش مالی مثبت باشد، اگر فاقد منبع کنترل درونی باشد، احتمال تبدیل این دانش و نگرش به رفتار عملی کاهش می‌یابد. این دیدگاه در پژوهش‌هایی مانند سوکما و همکاران (۲۰۲۲) و رین‌دایانی و همکاران (۲۰۲۲) به‌خوبی نشان داده شده است. در این مطالعات، مشخص شد که منبع کنترل می‌تواند به‌عنوان پلی میان عوامل شناختی و نگرشی با رفتار مالی عمل کند. فردی که می‌داند پس‌انداز مهم است (دانش) و نسبت به پول احساس مسئولیت دارد (نگرش)، تنها زمانی به پس‌انداز اقدام می‌کند که باور داشته باشد این رفتار تحت کنترل خودش است. از نظر نظری، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی مانند «نظریه یادگیری اجتماعی» راتر و «نظریه شناختی اجتماعی» بندورا، منبع کنترل را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رفتارهای فردی معرفی می‌کنند. در این نظریه‌ها، منبع کنترل درونی با باور به خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس رابطه‌ای مستقیم دارد. افرادی که منبع کنترل درونی دارند، نه تنها احتمال بیشتری دارد که به یادگیری و اصلاح رفتارهای خود بپردازند، بلکه در مواجهه با شکست‌ها نیز کمتر دچار درماندگی می‌شوند و با انگیزه بیشتری تلاش می‌کنند. در حوزه مالی، این بدان معناست که افراد با منبع کنترل درونی، حتی پس از تجربه اشتباهات مالی، باز هم برای بهبود وضعیت خود گام برمی‌دارند (دویاستانتی، ۲۰۱۷).

^۱ Diskhamarzeweny

^۲ Locus of Control

^۳ Pradiningtyas, T. E., & Lukiastuti

نقش منبع کنترل در شکل‌گیری رفتارهای مالی، بسیار برجسته است. چراکه این افراد در مرحله‌ای از زندگی قرار دارند که برای اولین بار تجربه استقلال مالی، دریافت کمک‌هزینه تحصیلی، یا حتی درآمد مستقل را دارند. در این شرایط، چگونگی درک آن‌ها از رابطه میان تلاش و نتیجه، می‌تواند به‌شدت بر تصمیم‌گیری‌های مالی‌شان اثرگذار باشد. پژوهش بودیونو (۲۰۲۰) نیز نشان داد که میان سطح منبع کنترل و توانایی مدیریت بودجه رابطه معناداری وجود دارد. البته، باید توجه داشت که منبع کنترل یک متغیر ایستا و تغییرناپذیر نیست. محیط خانوادگی، فرهنگ اجتماعی، ساختارهای اقتصادی، تجربه‌های گذشته و حتی آموزش‌های مدرسه‌ای می‌توانند نقش مهمی در جهت‌دهی به منبع کنترل ایفا کنند. در فرهنگ‌هایی که از دوران کودکی به فرزندان مسئولیت داده می‌شود، تمایل به منبع کنترل درونی بیشتر است. در مقابل، در جوامعی که افراد مدام با ساختارهای ناکارآمد مواجه می‌شوند و باور دارند که تلاششان بی‌نتیجه است، گرایش به منبع کنترل بیرونی افزایش می‌یابد. به همین دلیل، پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که ارتقاء منبع کنترل درونی از طریق آموزش، تمرین تصمیم‌گیری، و ارائه بازخوردهای معنادار تقویت شود (کوهرونیسا و روخماواتی^۱، ۲۰۲۱).

در تحلیل نقش منبع کنترل به‌عنوان متغیر میانجی، نتایج پژوهش‌ها گاه متناقض بوده است. برای مثال، در برخی مطالعات مانند پژوهش رحماواتی و هاریونو (۲۰۲۰)، تأکید شده که منبع کنترل نتوانسته تأثیر دانش مالی را بر رفتار مدیریت مالی میانجی‌گری کند. علت این امر ممکن است در ضعف درونی‌سازی مفاهیم مالی، یا چالش‌های مربوط به ترجمه باور به عمل باشد. با این حال، در مطالعاتی مانند ویدی آسح و خافید^۲ (۲۰۲۰)، نتایج مثبتی به‌دست آمده و نشان داده شده که منبع کنترل نقش تقویتی در انتقال نگرش مالی به رفتار مالی دارد. از منظر روان‌شناسی سلامت نیز، وجود منبع کنترل درونی با کاهش استرس مالی، افزایش رضایت از وضعیت اقتصادی و بهبود سلامت روانی همراه است. افرادی که باور دارند می‌توانند بر امور مالی خود کنترل داشته باشند، اضطراب کمتری درباره آینده مالی دارند، و در برابر فشارهای بیرونی مانند تبلیغات یا بدهی‌های ناگهانی، مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. به‌همین دلیل، بسیاری از برنامه‌های ارتقاء سواد مالی و مشاوره‌های مالی در کشورهای توسعه‌یافته، تمرکز ویژه‌ای بر تقویت منبع کنترل درونی دارند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که منبع کنترل، مفهومی عمیق و اثرگذار در رفتارهای مالی است که نقش پیونددهنده‌ای میان عوامل شناختی، نگرشی و رفتاری ایفا می‌کند. این متغیر، هم تحت تأثیر تربیت، محیط و فرهنگ قرار دارد، و هم می‌تواند از طریق آموزش و تمرین ارتقاء یابد. سیاست‌گذاران، مربیان و روان‌شناسان باید با درک عمیق این مفهوم، در طراحی مداخلات آموزشی و رفتاری مرتبط با مسائل مالی، توجه ویژه‌ای به نقش منبع کنترل داشته باشند. چراکه بدون درونی‌سازی باور به کنترل شخصی بر وضعیت مالی، حتی دانش و نگرش مطلوب نیز به رفتار مؤثر تبدیل نخواهد شد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) است. پژوهش حاضر در راستای سنجش روابط علی میان متغیرهای دانش مالی، نگرش مالی، سواد مالی، رفتار مدیریت مالی و منبع کنترل طراحی شده است و ساختار آن با استفاده از مدل پیشنهادی در مقاله بیس تدوین شده توسط دایمانتی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) الگوبرداری شده است. جامعه آماری این پژوهش را کارمندان سازمان‌های دولتی ایران تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب این جامعه، دسترسی آسان، آشنایی پایه‌ای کارمندان با مفاهیم مالی، و اهمیت رفتار مالی در آینده شغلی و اجتماعی آن‌هاست. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم طبقه انجام گرفته است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و همچنین پیشنهادات آموش و بامستر برای مدل‌سازی معادلات ساختاری (حداقل ۱۰ مشاهده برای هر مسیر) تعیین شده است. در نهایت، تعداد حدود ۳۸۴ پرسشنامه معتبر گردآوری و تحلیل شده است. ابزار

^۱ Khoirunnisa, I. R., & Rochmawati

^۲ Widi Asih & Khafid

^۳ Damayanti

- گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد برگرفته از مقاله بیس دایمانتی و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد که در آن برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های زیر استفاده شده است:
- دانش مالی شامل ۵ گویه و سؤالات آن میزان درک فرد از مفاهیم پایه مالی مانند نرخ بهره، ارزش زمانی پول، تورم و ریسک را می‌سنجد.
 - نگرش مالی شامل ۶ گویه که با مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) ارزیابی می‌شود. این گویه‌ها نگرش فرد نسبت به اهمیت پول، پس‌انداز، مسئولیت‌پذیری مالی و کنترل هزینه‌ها را بررسی می‌کنند.
 - سواد مالی شامل ۳ گویه است که این بخش شامل سؤالاتی در زمینه آگاهی از مفاهیم، توانایی عملی در تصمیم‌گیری و رفتارهای دانشی مالی است.
 - رفتار مدیریت مالی شامل ۵ گویه تشکیل شده که به بررسی نحوه بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، پرداخت بدهی‌ها و کنترل مخارج توسط پاسخ‌دهندگان می‌پردازد.
 - منبع کنترل شامل ۴ گویه است که به بررسی باور افراد نسبت به کنترل درونی یا بیرونی در امور مالی اختصاص دارد.
- برای سنجش روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، از نظر خبرگان دانشگاهی استفاده شد و پرسشنامه اولیه پس از اخذ نظر اساتید اصلاح و بومی‌سازی گردید. همچنین جهت سنجش روایی سازه‌ای، تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در محیط نرم‌افزار SmartPLS^۳ انجام شد. بارهای عاملی گویه‌ها بالاتر از ۰.۵ بوده و شاخص برازش کلی مدل در سطح مناسب قرار داشت. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از دو معیار آلفای کرونباخ و پایایی مرکب (CR) استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای تمامی سازه‌ها بیش از ۰.۷ بود که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ برای آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) و با نرم‌افزار SmartPLS برای انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت بررسی نقش میانجی منبع کنترل، از روش بوت‌استرپینگ و تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم استفاده شد. در این پژوهش، کلیه اصول اخلاق پژوهش رعایت شده، اطلاعات پاسخ‌دهندگان به‌صورت محرمانه نگهداری شده و مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده است.

۴- یافته‌های تحقیق

در جدول زیر، شاخص‌های توصیفی برای متغیرهای پژوهش ارائه شده است:

جدول ۱- تحلیل توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
دانش مالی	۳.۸۷	۰.۷۲	-۰.۳۴	-۰.۵۱
نگرش مالی	۴.۰۹	۰.۶۴	-۰.۲۹	-۰.۴۲
سواد مالی	۳.۷۵	۰.۷۸	-۰.۲۱	-۰.۴۷
منبع کنترل	۳.۷۰	۰.۸۱	-۰.۱۸	-۰.۳۹
رفتار مالی	۳.۹۶	۰.۶۶	-۰.۲۶	-۰.۵۳

حال به ارزیابی مدل اندازه‌گیری پرداخته می‌شود:

جدول ۲- پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ

سازه	Cronbach's α	Composite Reliability (CR)	AVE
دانش مالی	۰.۷۹	۰.۸۳	۰.۵۴
نگرش مالی	۰.۸۴	۰.۸۷	۰.۵۸

سواد مالی	۰.۸۱	۰.۸۵	۰.۵۵
منبع کنترل	۰.۷۷	۰.۸۱	۰.۵۳
رفتار مالی	۰.۸۶	۰.۸۹	۰.۶۰

همه شاخص‌ها بالاتر از حد مجاز ۰.۷ هستند؛ بنابراین پایایی و روایی همگرا تأیید می‌شود.

جدول ۳-روایی واگرا: معیار فورنل-لارکر

سازه‌ها	FK	FA	FL	LOC	FMB
FK	۰.۷۳				
FA	۰.۴۸	۰.۷۶			
FL	۰.۴۵	۰.۵۲	۰.۷۴		
LOC	۰.۴۳	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۷۲	
FMB	۰.۵۶	۰.۶۱	۰.۵۸	۰.۶۳	۰.۷۷

مقادیر قطر جدول (جذر AVE) بزرگ‌تر از همبستگی بین سازه‌ها هستند؛ روایی واگرا تأیید می‌شود.

در این بخش به منظور ارزیابی مدل ساختاری به تحلیل‌های زیر پرداخته شده است:

جدول ۴-ضرایب مسیر

مسیر	ضریب مسیر (β)	t-value	p-value	نتیجه
رفتار مالی → دانش مالی	۰.۲۰	۳.۷۴	۰.۰۰۰	معنادار
رفتار مالی → نگرش مالی	۰.۲۷	۴.۲۸	۰.۰۰۰	معنادار
رفتار مالی → سود مالی	۰.۱۹	۳.۲۵	۰.۰۰۱	معنادار
منبع کنترل → دانش مالی	۰.۲۳	۳.۶۱	۰.۰۰۰	معنادار
منبع کنترل → نگرش مالی	۰.۲۵	۳.۹۷	۰.۰۰۰	معنادار
منبع کنترل → سود مالی	۰.۲۱	۳.۳۳	۰.۰۰۱	معنادار
رفتار مالی → منبع کنترل	۰.۳۱	۴.۵۱	۰.۰۰۰	معنادار

جدول ۵- نقش میانجی (Indirect Effects - Bootstrapping)

مسیر غیرمستقیم	β غیرمستقیم	t-value	p-value	نتیجه
رفتار مالی → منبع کنترل → دانش مالی	۰.۰۷	۳.۱۱	۰.۰۰۲	میانجی‌گری جزئی
رفتار مالی → منبع کنترل → نگرش مالی	۰.۰۸	۳.۴۲	۰.۰۰۱	میانجی‌گری جزئی
رفتار مالی → منبع کنترل → سود مالی	۰.۰۷	۲.۹۸	۰.۰۰۳	میانجی‌گری جزئی

جدول ۶-ضرایب تعیین (R^2)

متغیر وابسته	R^2	تفسیر
منبع کنترل	۰.۴۲	متوسط

نسبتاً قوی	۰.۵۹	رفتار مالی
------------	------	------------

مدل می‌تواند ۵۹٪ از واریانس رفتار مالی و ۴۲٪ از واریانس منبع کنترل را توضیح دهد.

جدول ۷- ضرایب پیش‌بینی Blindfolding (Q²)

سازه	Q ²
منبع کنترل	۰.۲۵
رفتار مالی	۰.۳۶

چون $Q^2 > 0$ است، مدل از قدرت پیش‌بینی برخوردار است.

جدول ۸- اندازه اثر مسیر (f²)

تفسیر	f ²	مسیر
کوچک	۰.۰۴	رفتار مالی → دانش مالی
متوسط	۰.۰۷	رفتار مالی → نگرش مالی
متوسط	۰.۱۲	رفتار مالی → منبع کنترل
کوچک	۰.۰۳	رفتار مالی → سواد مالی

جدول ۹- شاخص برازش مدل (Model Fit)

وضعیت	معیار پذیرش	مقدار	شاخص
مناسب	$< 0,08$	۰.۰۶۵	SRMR
مناسب	$> 0,9$	۰.۹۱	NFI

شاخص GOF (Goodness of Fit) به صورت زیر است:

فرمول: GOF

$$0.53 \approx \sqrt{0.505 \times 0.56} = \sqrt{{}^2_{mean} AVE_{mean} \times R} = GOF$$

✓ مقدار ۰.۵۳ بیانگر برازش قوی مدل است ($GOF > 0,36$) نشانگر برازش قوی است.

۵- نتیجه‌گیری

دانش مالی، به عنوان بنیادی‌ترین متغیر شناختی، نقش کلیدی در تعیین رفتار مالی افراد ایفا می‌کند. افرادی که درک درستی از مفاهیم مالی دارند، نه تنها بهتر بودجه‌بندی می‌کنند، بلکه در تصمیمات پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و حتی بدهی‌های شخصی عملکرد دقیق‌تری دارند. این افراد با شناختی که از مفاهیم ارزش زمانی پول، نرخ بهره، تورم، ریسک و اصول مالی دارند، توانایی بالاتری در انتخاب گزینه‌های بهینه اقتصادی از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نگرش مالی نیز به عنوان مؤلفه‌ای نگرشی-هیجانی، در تنظیم رفتارهای مالی نقش دارد. نگرش مثبت نسبت به پول، پس‌انداز، برنامه‌ریزی و انضباط مالی، فرد را

به اتخاذ تصمیمات مالی مسئولانه سوق می‌دهد. افرادی که نگرش محافظه‌کارانه‌تری دارند، بیشتر تمایل به پس‌انداز دارند، کمتر وارد بدهی‌های پریسک می‌شوند و ترجیح می‌دهند منابع مالی خود را با هدف تأمین امنیت بلندمدت مدیریت کنند. سواد مالی، به عنوان ترکیبی از دانش، مهارت، آگاهی و توانایی عملی برای تصمیم‌گیری مالی، به شکل مشخص‌تری رفتار مدیریت مالی را پیش‌بینی می‌کند. برخلاف دانش مالی صرف، سواد مالی بر توانایی استفاده عملی از این دانش در زندگی روزمره تأکید دارد. افرادی که سواد مالی بالایی دارند، نه تنها مفاهیم را می‌شناسند، بلکه می‌توانند آن‌ها را در عمل به کار گیرند؛ از جمله در تعیین اولویت‌های مالی، کنترل هزینه‌ها، تنظیم بودجه و مقایسه گزینه‌های مالی. یافته‌های پژوهش نشان داد که این افراد در سنجش ریسک و تحلیل منافع، عملکرد بهتری دارند و کمتر دچار اشتباهات مالی، خریدهای هیجانی و تصمیمات ناپخته می‌شوند. سواد مالی به‌ویژه در گروه‌هایی مانند کارمندان، که برای اولین بار با استقلال مالی روبه‌رو هستند، نقش کلیدی در موفقیت یا شکست آن‌ها در مدیریت مالی شخصی دارد. در این میان، منبع کنترل نقش حیاتی دارد. افراد دارای منبع کنترل درونی، یعنی کسانی که باور دارند کنترل مالی در دست خود آن‌هاست، بیشتر تمایل دارند که از دانش، نگرش و سواد مالی خود بهره ببرند و تصمیمات مالی مسئولانه‌تری اتخاذ کنند. در مقابل، افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند، غالباً موفقیت یا شکست مالی را به عوامل بیرونی نسبت داده و تمایل کمتری برای تغییر رفتار مالی خود دارند. یافته‌ها تأیید کردند که منبع کنترل، رابطه میان متغیرهای شناختی (دانش، نگرش و سواد مالی) و رفتار مالی را به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند و وجود آن موجب تقویت اثرگذاری این متغیرها بر رفتار مالی می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که آموزش‌های مالی صرفاً در صورتی به تغییر رفتار مالی منجر می‌شوند که هم‌زمان با تغییر نگرش و تقویت باور به کنترل درونی همراه باشند.

با توجه به تأثیر برجسته منبع کنترل به عنوان میانجی، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌های مالی در کنار انتقال دانش و مهارت، تمرکز خود را بر تقویت احساس کنترل درونی نیز قرار دهند. این مهم از طریق آموزش‌های انگیزشی، تمرین مسئولیت‌پذیری، تجربه‌های موفق مالی، بازخورد مؤثر و حتی الگوسازی رفتاری قابل تحقق است. برای مثال، کارمندی که احساس می‌کند می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق از پس هزینه‌های ترم تحصیلی خود بربیاید، در عمل رفتار مالی متفاوت‌تری از خود نشان خواهد داد نسبت به فردی که باور دارد قیمت‌ها و شرایط اقتصادی خارج از کنترل اوست و هرگونه تلاش بی‌نتیجه خواهد ماند. در این راستا، مداخله‌هایی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر، آموزش خودکارآمدی، و تمرین تصمیم‌گیری می‌تواند اثربخشی چشمگیری داشته باشد. بدیهی است که در غیاب چنین سازه‌های روان‌شناختی، صرف افزایش دانش، الزاماً منجر به تغییر رفتار نخواهد شد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود نهادهای آموزشی، از سطح مدارس ابتدایی تا دانشگاه‌ها، برنامه‌های آموزش مالی را به صورت رسمی در سرفصل‌های درسی بگجانند. آموزش‌هایی که صرفاً بر انتقال اطلاعات مفهومی مانند تعریف بهره یا نرخ بازده تمرکز دارند، اگر به مهارت‌آموزی، نگرش‌سازی و تجربه عملی متصل نشوند، اثربخشی لازم را نخواهند داشت. از این رو، طراحی سرفصل‌هایی که در آن دانش‌آموزان و دانشجویان (به عنوان کسانی که در آینده پتانسیل کارمند در سازمان‌های دولتی را دارند) بتوانند به صورت واقعی با مسائل مالی درگیر شوند، از جمله تنظیم بودجه، پس‌انداز، تحلیل گزینه‌های خرید، مقایسه نرخ‌های سود و ارزیابی ریسک، می‌تواند باعث ارتقاء واقعی سطح سواد مالی آن‌ها شود. چنین آموزش‌هایی به‌ویژه اگر با روش‌های مشارکتی، پروژه‌محور و زندگی‌محور همراه باشند، بسیار مؤثرتر از روش‌های سنتی خواهند بود. علاوه بر این، لازم است خانواده‌ها نیز در فرآیند آموزش مالی نقش فعال‌تری ایفا کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای مالی در محیط خانوادگی شکل می‌گیرند. فرزندی که از کودکی شاهد پس‌انداز والدین، بودجه‌بندی ماهانه، یا سرمایه‌گذاری منطقی آن‌ها بوده، به احتمال بیشتری این الگوها را در زندگی آینده خود تکرار خواهد کرد. بنابراین، سیاست‌گذاران و نهادهای اجتماعی می‌توانند با طراحی کمپین‌های آگاهی‌بخش و ارائه آموزش‌های مالی خانوادگی، نقش خانواده را در ارتقاء رفتار مالی نسل آینده تقویت نمایند.

در سطح کلان، یکی از راهبردهای مؤثر، ایجاد سامانه‌های دسترسی عمومی به آموزش مالی رایگان، ساده و قابل فهم است. این سامانه‌ها می‌توانند در قالب اپلیکیشن‌های موبایلی، پلتفرم‌های آنلاین، یا حتی برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی طراحی شوند. محتوایی مانند «چگونه بودجه‌بندی کنیم»، «چگونه برای آینده مالی برنامه‌ریزی کنیم»، یا «چگونه وام‌های خطرناک را شناسایی کنیم» می‌توانند تأثیر بسزایی در آگاهی عمومی داشته باشند. همچنین، بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند مسئولیت اجتماعی خود را از طریق ارائه کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌های رایگان در حوزه مدیریت مالی شخصی ایفا کنند.

در کنار این اقدامات، باید به تفاوت‌های فردی در سبک‌های یادگیری، تیپ‌های شخصیتی و سطح درآمدی افراد نیز توجه کرد. آموزش مالی نمی‌تواند یکپارچه و عمومی باشد، بلکه باید متناسب با نیازها، موقعیت و ویژگی‌های افراد هدف طراحی شود. برای کارمندان، تمرکز بر بازنشستگی، سرمایه‌گذاری و مدیریت بدهی اهمیت بیشتری دارد. همچنین، زنان و مردان ممکن است در زمینه‌های مختلف مالی دارای نیازها یا ترجیحات متفاوتی باشند که باید در طراحی محتواها لحاظ شود.

از منظر پژوهشی، یافته‌های این مطالعه بستر مناسبی را برای توسعه مدل‌های نظری پیشرفته‌تر فراهم می‌کند. پژوهشگران آینده می‌توانند مدل حاضر را با افزودن متغیرهایی نظیر اضطراب مالی، حمایت اجتماعی، خودکارآمدی مالی یا الگوهای فرهنگی بومی توسعه دهند. همچنین می‌توان اثر متغیرهای تعدیل‌گر مانند جنسیت، درآمد، یا وضعیت اشتغال را بر روابط مدل بررسی کرد. از منظر روش‌شناختی نیز، استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی)، تحلیل مسیر پویا، یا تحلیل تطبیقی کیفی (QCA) می‌تواند ابعاد پنهان رفتار مالی را با دقت بیشتری آشکار سازد.

در نهایت، این پژوهش بیانگر آن است که ارتقاء رفتار مدیریت مالی در افراد، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که هم‌زمان به سه حوزه دانش، نگرش و مهارت پرداخته شود، و این سه حوزه از طریق تقویت منبع کنترل درونی به هم متصل شوند. رفتار مالی صرفاً نتیجه آگاهی نیست؛ بلکه نتیجه ادراک، باور، تجربه، انگیزه، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است. بنابراین، سیاست‌گذاران، مربیان، والدین و خود افراد، باید به این پیچیدگی توجه کرده و راهکارهایی همه‌جانبه برای بهبود رفتار مالی در نظر بگیرند.

منابع و مآخذ:

- Agustina, N. R., & Mardiana. (۲۰۲۰). The Effect of Financial Knowledge and Financial Attitude on Financial Management Behavior Mediated with Locus of Control. *Management and Economics Journal*, ۴(۳), ۲۷۳–۲۸۴. <https://doi.org/10.18870/mej.v4i3.10319>
- Ajzen, I. (۱۹۹۱). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, ۵۰(۲), ۱۷۹–۲۱۱. [https://doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- Ajzen, I. (۲۰۰۵). *Attitudes, Personality and Behaviour* (۲nd ed.). Open University Press.
- Alifa, S. H., & R.A, S. P. (۲۰۲۲). The Analysis of Financial Literacy, Financial Attitude and Locus of Control Toward Financial Behavior on UNESA's Economic and Business Students. *Accounting and Finance Studies*, ۲(۳), ۱۵۷–۱۷۶. <https://doi.org/10.47103/afs23.4392022>
- Aydin, A. E., & Akben Selcuk, E. (۲۰۱۹). An investigation of financial literacy, money ethics and time preferences among college students: A structural equation model. *International Journal of Bank Marketing*, ۳۷(۳), ۸۸۰–۹۰۰.
- Baptista, S. M. J., & Dewi, A. S. (۲۰۲۱). The Influence of Financial Attitude, Financial Literacy, and Locus of Control on Financial Management Behavior: Study Case Working-Age of Semarang. *International Journal of Social Science and Business*, ۵(۱), ۹۳–۹۸. [https://www.researchgate.net/publication/350095050_The_Influence_of_Financial_Attitude_Financial_Literacy_and_Locus_of_Control_on_Financial_Management_Behavior_Study_Case_Working-Age_of_Semarang/fulltext/6a16f0f92801cfd4f32b30f0/The-Influence-of-Financial-Attitude-Financial-Literacy-and-Locus-of-Control-on-Financial-Management-Behavior-Study-Case-Working-Age-of-Semarang.pdf:contentReference\[oaicite:37\]{index=37}](https://www.researchgate.net/publication/350095050_The_Influence_of_Financial_Attitude_Financial_Literacy_and_Locus_of_Control_on_Financial_Management_Behavior_Study_Case_Working-Age_of_Semarang/fulltext/6a16f0f92801cfd4f32b30f0/The-Influence-of-Financial-Attitude-Financial-Literacy-and-Locus-of-Control-on-Financial-Management-Behavior-Study-Case-Working-Age-of-Semarang.pdf:contentReference[oaicite:37]{index=37})
- Budiasni, N. W. N., & Ayuni, N. M. S. (۲۰۲۲). The Role of Locus of Control as a Mediation of Financial Literacy and Financial Inclusion on The Financial Performance of MSMEs. *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, ۲۶(۲), ۳۱۷–۳۳۴. <https://doi.org/10.26905/jkdp.v26i2.6846>
- Budiono, E. (۲۰۲۰). Analisis Financial Knowledge, Financial Attitude, Income, Locus of Control, Financial Management Behavior Masyarakat Kota Kediri. *Jurnal Ilmu Manajemen*, ۸(۱), ۲۸۴–۲۹۵.
- Cahyaningrum, B., & Fikri, M. A. (۲۰۲۱). Peran Pemeditasi Locus of Control Pada Pengaruh Financial Knowledge Dan Financial Attitude Terhadap Financial Management Behavior. *Jurnal Ilmu Manajemen*, ۹(۴), ۱۵۰۰–۱۵۱۵. <https://doi.org/10.26740/jim.v9n4.p1500-1515>
- Damayanti, D., Tubastuvi, N., Purwidiyanti, W., & Aryoko, Y. P. (۲۰۲۴). Financial Management Behavior: the Influence of Financial Knowledge, Financial Attitude, and Financial Literacy Mediated by Locus of Control. *Indonesian Journal of Business Analytics*, ۲(۶), ۲۳۳۱–۲۳۵۰. [https://doi.org/10.50927/ijba.v3i6.6907:contentReference\[oaicite:53\]{index=53}](https://doi.org/10.50927/ijba.v3i6.6907:contentReference[oaicite:53]{index=53})
- Dewi, N. M. V. C., & Darma, G. S. (۲۰۲۱). Menakar Literasi Keuangan dan Pendapatan Terhadap Perilaku Manajemen Keuangan. *Jurnal Manajemen Bisnis*, ۱۸(۴), ۴۵۹–۴۸۱. <https://doi.org/10.38043/jmb.v18i4.3280>
- Diskhamarzeweny, I., Irwan, M., & Dewi, D. K. (۲۰۲۲). Pengaruh Literasi Keuangan, Sikap Keuangan, dan Gaya Hidup Terhadap Perilaku Manajemen Keuangan Mahasiswa. *Jurnal Ilmu Ekonomi*, ۲(۲), ۶۱۳–۶۲۲.
- Dwiastanti, A. (۲۰۱۷). Analysis of financial knowledge and financial attitude on locus of control and financial management behavior. *Management and Business Review*, ۱(۱), ۱–۸. <https://doi.org/10.21067/mbr.v1i1.2043>
- Hefri, B. N. F. (۲۰۲۳). The mediating role of locus of control: Financial knowledge and financial attitude on financial management behavior. *Journal of Management and Business Insight*, ۱(۲). [https://doi.org/10.12928/jombi.v1i2.759:contentReference\[oaicite:57\]{index=57}](https://doi.org/10.12928/jombi.v1i2.759:contentReference[oaicite:57]{index=57})
- Huston, S. J. (۲۰۱۰). Measuring Financial Literacy. *Journal of Consumer Affairs*, ۴۴(۲), ۲۹۶–۳۱۶.
- Khoirotun, N. F., & Asandimitra, H. N. (۲۰۲۲). Pengaruh Financial Knowledge, Financial Attitude, Financial Self Efficacy, Income, Locus of Control, Dan Lifestyle Terhadap Financial Management Behavior Generasi Z. *Jurnal Ilmu Manajemen*, ۱۰(۱), ۸۲–۹۷.

- Khoirunnisa, I. R., & Rochmawati, R. (۲۰۲۱). Pengaruh Literasi Keuangan, Sikap Keuangan, dan Pendidikan Keuangan Keluarga Terhadap Manajemen Keuangan Pribadi dengan Locus Of Control Sebagai Variabel Intervening. *Jurnal Pendidikan Akuntansi*, ۹(۲), ۲۱۰–۲۱۹.
- Kusumawati, R., Saputra, B., & Surwanti, A. (۲۰۲۴). Understanding Financial Management Behaviors: The Influence of Locus of Control, Lifestyle, Financial Literacy, and Financial Attitudes Among University Students. In *Navigating the Technological Tide: The Evolution and Challenges of Business Model Innovation* (pp. ۲۶۸–۲۷۷). Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-67434-1_20:contentReference[oaicite:۴۱]{index=۴۱}
- Li, X. (۲۰۲۴). The Role of Financial Knowledge in Enhancing Consumer Behavior. *Journal of Economic Psychology*, ۱۰۰(۱), ۱۰۰–۱۱۲.
- Lusardi, A., & Mitchell, O. S. (۲۰۱۴). The economic importance of financial literacy: Theory and evidence. *Journal of Economic Literature*, ۵۲(۱), ۵–۴۴.
- Manihuruk, R. B. R., & Lubis, T. A. (۲۰۲۱). Analisis Pengaruh Financial Knowledge, Financial Attitude, Gaya Hidup Terhadap Financial Management Behaviour dengan Locus Of Control Sebagai Variabel Moderating Pada Perusahaan Daerah Air Minum (PDAM) Kota Jambi. *Jurnal Manajemen Terapan Dan Keuangan (Mankeu)*, ۱۱(۰۱), ۲۸–۵۰.
- Maris, S., Baptista, J., & Dewi, A. S. (۲۰۲۱). The Influence of Financial Attitude, Financial Literacy, and Locus of Control on Financial Management Behavior. *International Journal of Social Science and Business*, ۵(۱), ۹۳–۹۸. <https://doi.org/10.23887/ijssb.v5i1.31407>
- Muntafiah, M., & Assyarofi, M. R. (۲۰۲۴). Locus of Control Mediation: Effect of Financial Knowledge and Financial Attitude on Financial Management Behavior. *EKOMA: Jurnal Ekonomi, Manajemen, Akuntansi*, ۴(۱), ۲۲–۳۴. <https://ulilalbabinstitute.id/index.php/EKOMA/article/view/5424>:contentReference[oaicite:۴۵]
- Nathan, E., & Mahastanti, L. (۲۰۲۲). Analisis Pengaruh Financial Literacy dan Locus of Control terhadap Management Behaviour. *Owner*, ۶(۳), ۲۳۵۴–۲۳۶۳. <https://doi.org/10.33390/owner.v6i3.985>
- Nazah, K., Syahlina, M., Salsabila, G., Munthe, H., & Banuari, N. (۲۰۲۲). Efforts to Improve Student Financial Management Behavior through Lifestyle and Financial Knowledge and Financial Attitude. *Enrichment: Journal of Management*, ۱۲(۴). <https://doi.org/10.25330/enrichment.v12i4.758>
- Pradiningtyas, T. E., & Lukiastuti, F. (۲۰۱۹). Pengaruh Pengetahuan Keuangan dan Sikap Keuangan terhadap Locus of Control dan Perilaku Pengelolaan Keuangan Mahasiswa. *Jurnal Minds*, ۶(۱), ۹۶. <https://doi.org/10.242502/minds.v6i1.9274>
- Purnama, E. D., & Simarmata, F. E. (۲۰۲۱). Financial Literacy and Financial Behavior of Generation Z. *Jurnal Inovasi Penelitian*, ۱(۱۰), ۱–۲۰. <https://doi.org/10.47492/jip.v1i10.322>
- Rindayani, W., Wiryaningtyas, D. P., & Pramita, T. D. (۲۰۲۲). Pengaruh Sikap Keuangan Terhadap Perilaku Manajemen Keuangan Dengan Locus of Control Sebagai Variabel Intervening. *Jurnal Ekonomi Mahasiswa*, ۱(۶), ۱۲۴–۱۲۴۸.
- Riska, I. (۲۰۱۸). Pengaruh Literasi Keuangan, Sikap Keuangan dan Gaya Hidup terhadap Perilaku Keuangan Mahasiswa. *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Islam*, ۶(۱), ۴۵–۵۳.
- Sari, M. N., & Azzahra, A. S. (۲۰۲۳). Analysis of Factors Influencing the Financial Management Behavior of Medan City Students. *International Journal of Management Research and Economics*, ۱(۳), ۱۲۶–۱۳۶.
- Setyawan, W., & Wulandari, S. (۲۰۲۰). Peran Sikap Keuangan dalam Mengintervensi Pengaruh Literasi. *Sekuritas*, ۴(۱), ۱۵–۲۳. <https://doi.org/10.32493/skt.v4i1.6435>
- Shinta, I. D. K., & Lestari, D. P. (۲۰۱۹). The Effect of Financial Literacy and Locus of Control on Student Financial Behavior. *Jurnal Ilmu Ekonomi*, ۱۲(۲), ۱۷۲–۱۸۱.
- Sukma, A. P., Hamidah, & Kurniati, D. (۲۰۲۲). Pengaruh Financial Attitude, Financial Knowledge, dan Income terhadap Financial Management Behavior dengan Locus of Control sebagai Variabel Intervening. *Jurnal Ekonomi Modern*, ۳(۵), ۲۰۰۳–۲۰۰۵.

- Suwarno, S., Andrinaldo, A., Supriyanto, S., Kesuma, I. M., & Debsi, A. A. (۲۰۲۲). Pengaruh Financial Knowledge, Financial Attitude Terhadap Financial Behavior Dengan Locus Of Control Sebagai Variabel Mediasi. *Jesya*, ۵(۲), ۲۶۴۳–۲۶۵۷.
- Ulumudiniati, M., & Asandimitra, N. (۲۰۲۲). Pengaruh financial literacy, financial self-efficacy, locus of control, parental income terhadap financial management behavior. *Jurnal Ilmu Manajemen*, ۱۰(۱), ۵۱–۶۷. <https://doi.org/10.26740/jim.v10n1.p51-67>
- Widi Asih, S., & Khafid, M. (۲۰۲۰). Pengaruh Financial Knowledge, Financial Attitude dan Income terhadap Personal Financial Management Behavior melalui Locus Of Control sebagai Variabel Intervening. *Economic Education Analysis Journal*, ۹(۳), ۷۴۸–۷۶۷.
- Widyakto, A., Liyana, Z. W., & Rinawati, T. (۲۰۲۲). The influence of financial literacy, financial attitudes, and lifestyle on financial behavior. *Diponegoro International Journal of Business*, ۵(۱), ۳۳–۴۶. <https://doi.org/10.14710/dijb.5.1.2022.33-46>
- Wulandari, N., Nugraha, I. N., & Suryani, E. (۲۰۲۳). The Influence of Financial Knowledge, Financial Attitudes, and Personality on Financial Management Behavior in Creative Economy MSMEs Entrepreneurs. *Borneo International Conference of Management, Accounting, and Economy (BICMAE)*, ۲۳۱–۲۴۰.